

Original Article

Investigation of Legal and Jurisprudential Basic of Formal Transactions with an Approach to Citizenship Rights

Roghieh Sadat Mousavi¹, Hadi Azimi Garakani^{2*}

1. Ph.D. Student, Islamic Law Jurisprudence and Basics, Tehran Central Branch, Azad Islamic University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Islamic Law Jurisprudence and Basics, Tehran Central Branch, Azad Islamic University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Garekani1339@yahoo.com

Received: 20 Oct 2018 Accepted: 17 Apr 2019

Abstract

Citizens' rights is one of the important issues in the current society that That people have it due to membership in a nation-state In terms of civil, political, social and economic rights, In the light of two principles of human dignity and social justice. It is considered as one of the most important fundamental rights of individuals, that considering it as one of the indicators of the stability of economic security, especially in the area of transactions, it seems necessary. Economic security is the most important issue in citizens' rights, which requires the existence of healthy business relations between citizens and the Coagulation of transactions in a reassuring place and therefore the property of individuals should be protected from any violation and aggression. The legislator considers the security and accuracy of transactions in related to intention of the actual creation of the contract companions. But in some cases, individuals destroys others Dignity by various motivations And escaping legal constraints and they take action to Coagulations that there is no real intention to do it. From the examples of such transactions, can refer to unconscious child, comatose, mad and Drunk person and, most importantly, formal transaction in order to escape debts. Which is one of the most prominent trades that is devoid of serious will. The formal transaction is a condition in which the sids apparently pretend to have established a contract, but do not actually adhere to its provisions and there is no real intention to establish a legal relationship.

The formal transactions in jurisprudence and in Iranian law are False. It is due to the lack of real intention and legal protection of citizens, especially creditors and the securing of void transactions. It seems that the weakness of citizens' awareness about the effects and consequences of this kind of transactions and the non-compliance with the ethics and principles of citizenship rights, including the principle of dignity, security and justice, provide the necessary context for the prevalence of these transactions. The present study uses a library research method to investigate the legal and juridical foundations of non-serious transactions as well as the relation of these transactions with citizenship rights.

Keywords: Citizenship Rights; Intent; Will; Formal Transaction

Please cite this article as: Mousavi RS, Azimi Garakani H. Investigation of Legal and Jurisprudential Basic of Formal Transactions with an Approach to Citizenship Rights. *Iran J Med Law*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 73-86.

بررسی مبانی فقهی و حقوقی معاملات صوری با رویکردی بر حقوق شهروندی

رقیه‌سادات موسوی^۱، هادی عظیمی گرگانی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Garekani1339@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۸

چکیده

حقوق شهروندی از مباحث مطرح و مهم در جامعه کنونی است که افراد به سبب عضویت در یک دولت - ملت در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در پرتو دو اصل مهم کرامت انسانی و عدالت اجتماعی از آن برخوردار می‌باشند و از مهم‌ترین حقوق اساسی افراد محسوب می‌شود که رعایت آن به عنوان یکی از شاخصه‌های ثبات امنیت اقتصادی به خصوص در مبحث معاملات ضروری به نظر می‌رسد. امنیت اقتصادی محوری‌ترین موضوع در حقوق شهروندی است که لازمه آن وجود روابط تجاری سالم بین شهروندان و انعقاد معاملات در بستری اطمینان‌بخش است و به سبب آن اموال و دارایی افراد باید از هر گونه تعدی و تجاوز مصون بماند. قانونگذار برقراری امنیت و صحت معاملات را مشروط به قصد انشای واقعی اصحاب قرارداد دانسته است، اما در برخی مواقع افراد به سبب انگیزه‌های مختلف و فرار از محدودیت‌های قانونی، حیثیت و کرامت شهروندان را مورد تعرض قرار داده و اقدام به انعقاد معاملاتی می‌کنند که قصد و اراده واقعی بر انجام آن‌ها وجود ندارد. از مصادیق این‌گونه معاملات، می‌توان به معامله صغیر غیر ممیز، بیهوش، شخص مست، دیوانه و از همه مهم‌تر معاملات صوری به قصد فرار از دین اشاره کرد که یکی از شاخص‌ترین داد و ستدهایی است که از اراده جدی بی‌بهره است. منظور از معامله صوری حالتی است که طرفین ظاهراً وانمود می‌کنند که عقدی را ایجاد نموده‌اند، ولی در واقع پایبند به مفاد آن نمی‌باشند و اراده واقعی در ایجاد رابطه حقوقی وجود ندارد.

معاملات صوری در فقه و حقوق ایران به دلیل فقدان قصد انشای واقعی و حمایت از حیات حقوقی شهروندان بالاخص طلبکاران و برقراری امنیت معاملات باطل می‌باشند. به نظر می‌رسد ضعف آگاهی شهروندان در خصوص آثار و تبعات این نوع از معاملات و پایبند نبودن به اخلاقیات و اصول حقوق شهروندی از جمله اصل کرامت، امنیت و عدالت زمینه لازم برای شیوع این معاملات را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و کتابخانه‌ای به بررسی مبانی فقهی و حقوقی معاملات صوری و نیز ارتباط این معاملات با حقوق شهروندی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی؛ قصد؛ اراده؛ معامله صوری

مقدمه

حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوظهوری است که با مد نظر قراردادن اصول برابری و آزادی، جایگاه ویژه‌ای در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی پیدا کرده است. شهروندی فراتر از شهرنشینی است و باعث می‌شود مردم، حقوق و تکالیف خود را در رابطه با همدیگر، دولت و همچنین فارغ از طبقه و نژاد و مذهب و جنسیت درک کنند. مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که افراد یک جامعه از کلیه حقوق سیاسی و مدنی برخوردار بوده و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسانی داشته باشند، ضمن این‌که شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. از جمله مسائل مهم حقوق شهروندی در اسلام، توجه به کرامت انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات، ارزش حیات و زندگی افراد، برابری بدون توجه به نژاد و هدفمند نمودن خلقت انسان‌ها می‌باشد (۱).

مهم‌ترین موارد حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه‌های مختلف جانی، حقوقی، مالی و... است. بنابراین در چنین محیط امن و آرامی است که انسان می‌تواند به رشد و کمال بیندیشد و باید به گونه‌ای به اکتساب بپردازد که موجب تجاوز به حقوق دیگر شهروندان نگردد (۲). به عبارت دیگر ایجاد شرایط لازم برای تعامل سالم و دوسویه متعادل با دیگران به صورتی که افراد اجتماع نه مورد سوءاستفاده قرار بگیرند و نه دیگران را مورد سوءاستفاده قرار دهند، از مشخصه‌های بارز حقوق شهروندی است، لذا تحقق سلامت اجتماعی در حوزه قراردادی و معاملاتی زمانی میسر می‌شود که این معاملات در بستری سالم انعقاد یابند (۳).

در حقوق کنونی حاکمیت اراده یا اصل آزادی قراردادها یک ابزار مفید اجتماعی و بهترین وسیله ایجاد نظم در امور معاملات است که باید به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق شهروندی در معاملات لحاظ شود. به این مفهوم که قصد و رضا (اراده) از عوامل تثبیت و از شرایط اساسی صحت معاملات شهروندان بوده و باید مورد احترام و کرامت ایشان قرار گیرد. بدین ترتیب، توافق در اراده رکن اصلی قرارداد

است. عقد که قرارداد و در امور مالی «معامله» نیز نامیده می‌شود، عمل حقوقی است که برای ایجاد آن نیاز به دو اراده است یعنی دو یا چند شخص باید توافق کنند تا از برخورد اراده‌های ایشان عقد به وجود آید (۴). به طور کلی، برای این‌که معامله‌ای تشکیل شود وجود دو دسته از شرایط لازم است: ۱- شرایط عمومی یا شرایط اساسی صحت معاملات؛ ۲- شرایط اختصاصی.

منظور از شرایط اساسی یا شرایط عمومی عقود، شرایطی است که اختصاصی به عقد و قرارداد خاصی ندارد و اصولاً و جز در موارد استثنایی که قانون مشخص کرده است در همه عقود و قراردادها باید وجود داشته باشد (۵). در ماده ۱۹۰ قانون مدنی برای تمام قراردادها، شرایط چهارگانه‌ای مشخص شده است که اگر این شرایط به طور کامل وجود داشته باشد، قرارداد از نظر حقوقی صحیح می‌باشد، اما در صورت فقدان هر یک از این شرایط، عقد باطل یا غیر نافذ است. ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها؛ ۲- اهلیت طرفین؛ ۳- معین بودن موضوع مورد معامله؛ ۴- مشروعیت جهت معامله».

عقد باطل در نظر قانونگذار فاقد آثار حقوقی است و از مصادیق آن می‌توان به معامله صغیر غیر ممیز، مجنون، مست و معامله صوری اشاره کرد. این‌گونه معاملات به علت فقدان قصد و اراده حقوقی باطل و منشأ هیچ‌گونه آثاری نمی‌باشند. همچنین عقد غیر نافذ، عقدی است که یکی از شرایط صحت را ندارد، ولی آن شرط اگر بعداً در عقد وارد شود، عقد صحیح می‌باشد. حقوقدانان معتقدند عقد غیر نافذ در حالت عدم نفوذ همانند عقد باطل است که هیچ اثری بر آن مترتب نمی‌شود، اما با این فرض که نقصش قابل جبران است و با تنفیذ بعدی اصلاح‌پذیر می‌باشد، مثلاً عقدی که در اثر اکراه و بدون اختیار واقع شده، به دلیل فقدان عنصر رضا غیر نافذ است و هیچ تعهدی را ایجاد نخواهد کرد، اما اگر شخصی مکره به آن راضی شود و آن عقد را تنفیذ نماید، تمام آثار حقوقی عقد صحیح بر آن مترتب می‌گردد (۶).

قرارداد برای انسان‌ها لحاظ شده است و در اصطلاح، قواعد و نظامات و مقرراتی است که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر باشد که این ضمانت اجرا یا در خود آن مقررات هست و یا به وسیله دولت تأمین می‌گردد (۸).

۲- تعریف شهروند

در فرهنگ‌های عمومی و تخصصی تعریفی از شهروند ارائه نشده است و قانون اساسی نیز در هیچ کجا کلمه شهروند را به کار نبرده است، ولی ظاهراً شهروند ترجمه فارسی اصطلاح «Citizenship» است و از نظر لغوی به معنای کسی است که اهل یک شهر یا کشور بوده و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (۹).

شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت‌الحمايه حکومت بوده و قوانین و مقررات آن را به رسمیت بشناسد و جزء جامعه‌ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید. شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد جامعه با برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود به ویژه در بعد خدمات دارند. شهروندی وقتی محقق می‌شود که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند. شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسؤولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند. شناخت این حقوق و تکالیف، نقش مؤثری در ارتقای مرتبه شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. شهروندی را می‌توان رابطه بین فرد و دولت دانست که در آن طرف‌های مزبور به وسیله حقوق و تکالیف متقابل به هم وابسته می‌گردند (۹).

۳- تعریف حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در واقع به مجموعه حقوقی که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند، گفته

قصد و رضا دو چهره بنیادی اراده در تشکیل ساختمان عقد به شمار می‌آیند. قصد رکن عقد و رضا شرط نفوذ و اعتبار آن است. بنابراین اگر یکی از دو طرف عقد فاقد قصد یا رضا باشد، عقد مزبور قانوناً دارای اعتبار نخواهد بود. بنابراین فقدان قصد منجر به بطلان عقد و فقدان رضا موجب عدم نفوذ عقد است. رضا در اصطلاح حقوقی همان میل و گرایش باطنی به انجام عمل حقوقی است و قصد ایجاد عمل حقوقی در عامل ذهن است که گاهی از آن به قصد انشاء تعبیر می‌کنند. طرفین معامله باید قصد انشاء، یعنی ایجاد رابطه حقوقی قراردادی را داشته باشند والا معامله باطل و از درجه اعتبار ساقط است (۷).

اما در برخی مواقع اراده جدی و واقعی بر انجام معامله وجود ندارد. از مهم‌ترین مصادیق این‌گونه معاملات که امروزه افزایش چشم‌گیری از آن به انگیزه‌های مختلف از جمله فرار از محدودیت‌های قانونی، تقلب نسبت به قانون و بالاخص اضرار نسبت به اشخاص ثالث از طریق فرار از پرداخت دین در سطح جامعه مشاهده می‌شود، می‌توان به معامله صوری اشاره کرد که یکی از شاخص‌ترین داد و ستدهایی است که از اراده جدی بی‌بهره است.

معاملات صوری در فقه به موجب قاعده «العقود تابعه القصد»، روایت «انما الاعمال بالنیات» و قاعده «ما وقع لم یقصد و ما قصد لم یقع» و در حقوق به موجب مواد ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۱۸ اصلاحی، ۴۶۳ و ۱۱۴۹ قانون مدنی و مواد ۴۲۴ و ۴۲۶ قانون تجارت بدلیل فقدان قصد انشاء واقعی باطل می‌باشند. با توجه به این‌که هدف از این پژوهش بررسی ماهیت فقهی و حقوقی معاملات صوری به قصد فرار از دین و ارتباط این معاملات با حقوق شهروندی می‌باشد، پیش از ورود به بحث اصلی ضروری است تا مفاهیم حقوق شهروندی، قصد، رضا و اراده به خوبی تبیین گردد.

مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی و مفاهیم مرتبط

۱- تعریف حقوق

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و

۵- مفهوم کرامت انسانی

یکی از موضوعات بسیار مهم که در مورد امنیت، عدالت، رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته، کرامت انسانی است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که خود پایه و اساس بسیاری از حقوق و تکالیف انسانی شناخته می‌شود و در صورت عدم توجه به این اصل و التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری مفهوم خود را از دست خواهد داد و شاهد جهانی پر از ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و خشونت خواهیم بود. کرامت انسانی در لغت دارای معانی مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ارزش، حرمت حیثیت، عزت، انسانیت، شأن، مقام، درجه و منزلت. همچنین کرامت، حقی است بنیادین و آمیخته با تکلیف که موضوع آن رعایت عزت نفس آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نمی‌باشد. توجه به منزلت و کرامت انسانی از مهم‌ترین تعالیم دینی است که در آیات و روایات به آن امر شده است. کرامت انسانی موهبتی خدادادی و گوهری است که خداوند متعال به برترین مخلوق خود (انسان) عطا کرده است و انسان بدون این موهبت ارزش وجودی ندارد. قرآن کریم در همین زمینه بیان می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم...» (۱۲).

در روایات نیز آمده است که از دست کسی که در وجود خود احساس کرامت نمی‌کند، مصون نیستید و یا در جای دیگر گفته شده است کسی که در وجود خود احساس کرامت می‌کند، آن را به گناه نمی‌آلاید (۱۳). بنابراین با توجه به اهمیت مطالب ذکرشده، کرامت شهروندان در تمامی ابعاد اجتماعی، مخصوصاً معاملات روزمره باید مورد احترام و مصون از تعدی قرار گیرد.

۶- مفهوم حق امنیت

مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. موضوع امنیت از لحاظ سطوح به امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

می‌شود. بنابراین تعریف حقوق شهروندی یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی می‌باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و مؤسسات شهری و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می‌نماید و منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است که به منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه وضع گردیده است. به بیان دیگر، حقوق شهروندی به مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، برای فراهم‌سازی شخصیت فردی و اجتماعی در نظام حقوقی هر کشور تعلق گرفته اطلاق می‌شود. لازم به ذکر است که مسؤلیت اجتماعی شهروند فقط منحصر به دولت نیست، بلکه در مقابل دیگر شهروندان هم مسؤلیت دارد. به عبارت دیگر، همه افراد در مقابل همه افراد مسؤول‌اند. بنابراین هدف غایی از برپایی نظام شهروندی تأمین سعادت برای همه مراحل زندگی می‌باشد (۱۰).

۴- مصادیق حقوق شهروندی

بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی به سه گونه حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اجتماعی تقسیم‌بندی می‌گردد:

۴-۱- حقوق مدنی: حفظ آزادی‌های فردی شامل آزادی

شخص، آزادی بیان، اندیشه و عقیده، حق مالکیت شخص، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت.

۴-۲- حقوق سیاسی: حق مشارکت در اعمال قدرت

سیاسی به عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار سیاسی و یا به عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی (حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن).

۴-۳- حقوق اجتماعی: طیف وسیعی از حقوق که حق

برخورداری از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به عنوان یک موجود متمدن طبق معیارهای حاکم بر یک جامعه را دربر می‌گیرد (۱۱).

و... تقسیم می‌شود. امنیت در سایه عواملی همچون عدالت، رعایت حرمت حقوق انسان‌ها و برخورد با مفسدان و برقراری نظم شکل می‌گیرد (۱۴). علاوه بر این، امنیت اقتصادی، محوری‌ترین موضوع در حقوق شهروندی است و بر اساس روایتی از پیامبر اکرم (ص) حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست. به این تعبیر که مقصود از احترام مال مردم در روایت مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است (۱۵). بنابراین لازمه امنیت اقتصادی به ویژه در معاملات، انجام تعهدات از سوی افراد و ایجاد روابط معاملاتی سالم بدون هر گونه حيله و نیرنگ می‌باشد.

قصد و رضا

قصد طرفین و رضای آن‌ها به عنوان شرط اساسی صحت معاملات در بند ۱ ماده ۱۹۰ قانون مدنی شمرده شده است و از عوامل تثبیت حقوق شهروندی می‌باشد. بنابراین اگر یکی از دو طرف عقد فاقد قصد یا رضا باشد، عقد مزبور قانوناً دارای اعتبار نخواهد بود. هر کدام از عناصر قصد و رضا دارای اثرات مختلف هستند، به طوری که اگر در معامله‌ای قصد وجود نداشته باشد، معامله باطل است، اما اگر در معامله‌ای رضا وجود نداشته باشد، معامله باطل نیست، بلکه غیر نافذ است. قصد در لغت به معنی آهنگ، عزم، میانه‌روی و مقصود می‌باشد و رضا در لغت به معنی خشنودی، خوشدلی و راضی آمده است (۱۶). کلمه قصد با توجه به اقسام مختلفی که دارد، در معانی مختلفی به کار می‌رود:

- قصد لفظی: یعنی کسی که از میان لغات و الفاظ متعدد، الفاظ خاص ایجاب و قبول یک عقد را انتخاب می‌کند، قصد لفظی دارد. به بیان دیگر یعنی متعاقبین همان لفظی را که به کار می‌برند، قصد کنند.

- قصد معنا: یعنی قصد معانی الفاظ ایجاب و قبول. به عبارت دیگر گوینده قصد معانی الفاظی را که به زبان آورده، دارد. از نظر میرزای نائینی، تحقق عقد متوقف بر قصد به دو معنای فوق با هم می‌باشد و قصد به دو معنای فوق عبارت است، از ایجاد ماهیتی در عالم اعتبار. این معنی قصد در

معنای خاص کلمه به معنی قصد انشا به کار می‌رود که ماهیت حقوقی (عقد یا ایقاع) را ایجاد می‌نماید.

- انگیزه بر ایجاد فعل.

- رضایتی به مضمون عقد و طیب نفس به آنچه التزام به آن واقع شده است. معتبر از قصد در عقود از این مراتب چهارگانه، دو مرتبه اول است، به این معنی که این دو مرتبه از مقومات عقد هستند (۱۷).

انجام‌دادن هر عمل حقوقی معلول رشته‌ای از فعالیت‌های دماغی و درونی است که هر شخص با مراجعه به وجدان خویش می‌تواند آن را دریابد. انسان همواره به دنبال تأمین نیازهای مادی و معنوی خود می‌باشد، به طوری که ابتدا در ذهن خود این نیازها را تصویرسازی می‌کند، پس از آن نیازها را دسته‌بندی نموده، با رعایت اولویت، اولین آن‌ها را تأیید می‌کند و سپس رغبت فراوان به انجام آن عمل پیدا می‌کند. اساتید حقوق، این اشتیاق را رضا می‌نامند. پس از گذشتن این مرحله و احساس رضایت از انجام‌دادن کار، انسان تصمیم می‌گیرد و آن را اجرا می‌کند، یعنی عمل حقوقی مورد نظر را در ذهن خود ایجاد می‌کند و همین مرحله است که انشای عقد یا قصد نامیده می‌شود (۱۸).

رضا و قصد هر دو از امور درونی بوده و رضا یک مرحله بر قصد مقدم است. رضا به مرحله تصمیم پس از سنجش و قصد به مرحله اجرای تصمیم مربوط می‌شود. بعضی از استادان حقوق در تعریف قصد و رضا گفته‌اند: رضا اشتیاق به ایجاد و قصد انشای ایجاد امر متصور است (۱۹). رضا و قصد برای ایجاد عقد لازم و ملزوم یکدیگرند، یعنی رضائی که منتهی به قصد انشا نگردد، اثری در عالم حقوق ندارد و قصدی هم که مبتنی بر رضای حقیقی نباشد، به طور کامل مؤثر نیست، چنانکه هرگاه کسی به اجبار وادار به انجام معامله‌ای شود، با آنکه قصد ایجاد نتیجه عقد را دارد، چون این قصد بر رضای واقعی تکیه ندارد، به تنهایی قادر به ایجاد آن نتیجه نیست. بنابراین منظور از قصد با توجه به ماده ۱۹۱ قانون مدنی و مواد بعدی آن قصد انشا یا اراده ایجاد عقد است، هرچند ذکر قصد و رضا با هم در بند اول ماده ۱۹۰ قانون مدنی ممکن است در ابتدا این وضعیت به خصوص را در ذهن القا کند که

شخص نیست و به صورت ارادی یا غیر ارادی حقی ایجاد می‌شود که شخص خواستار آن نبوده است. به این رویدادهای حقوقی واقعه حقوقی می‌گویند. معاملات از جمله اعمال حقوقی بسیار مهم هستند که در زندگی اجتماعی دارای اهمیت و تأثیر زیادی می‌باشند، به طوری که در ابواب مختلف این تأثیر را می‌توان مشاهده کرد. عقد یا معامله زمانی محقق می‌شود که قصد و اراده جدی بر انجام آن وجود داشته باشد، اما در برخی مواقع اراده واقعی نمی‌باشد. بنابراین طرفین معامله باید قصد انشا، یعنی ایجاد رابطه حقوقی قراردادی را داشته باشند والا معامله باطل و فاقد آثار حقوقی است. از مصادیق این‌گونه معاملات می‌توان به معاملات دیوانه، صغیر غیر ممیز، مست، بیهوش و از همه مهم‌تر معامله صوری اشاره کرد که به علت فقدان قصد باطل هستند و هیچ اثری بر این‌گونه معاملات مترتب نیست (۷).

قانون مدنی بر بطلان عقد فاقد قصد تصریح کرده است و در ماده ۱۹۵ مقرر می‌دارد: «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است»، لذا این‌گونه افراد هر چند که قصد ادای لفظ را دارند، اما فاقد قصد انشا و اراده باطنی می‌باشند. بنا بر نظر شیخ انصاری متعاقدين باید مدلول لفظی را که تلفظ می‌کنند قصد نمایند (۲۵). لازم به ذکر است که در این ماده دو نکته از اهم مطالب است. نکته اول این‌که ماده معلل است، یعنی فقدان قصد علت بطلان عقد معرفی شده است و این حالت قاعده‌ای است کلی که هر جا قصد نباشد، عقد باطل است؛ دوم این‌که، موارد مذکور در ماده حصری نیست، بلکه تمثیلی است. بنابراین نباید تصور کرد که مصادیق فقدان قصد منحصر به موارد مذکور در متن ماده است، بلکه به طور کلی فقدان قصد به هر علتی که باشد، سبب بطلان معامله است (۲۶)، چنانکه در معاملات صوری، که افراد در ظاهر معامله‌ای را امضا می‌کنند، اما در واقع قصد ندارند که آثار مربوط به آن معامله بر رفتار آن‌ها جاری گردد، وضعیت همین‌گونه است.

ماهیت قصد و رضا یکی است، اما قانون مدنی به پیروی از فقه امامیه قصد و رضا را دو امر نفسانی جداگانه به شمار آورده است (۵).

اراده

قصد و رضا دو چهره بنیادی اراده در تشکیل ساختمان عقد به شمار می‌روند. از آنجا که عقد موجودی اعتباری و محصول اراده سالم است، نفوذ و اعتبار آن به سلامت اراده وابسته است. بنابراین هرگاه اراده سالم نباشد و از روی اشتباه یا اکراه اعلام شود، عقد باطل یا غیر نافذ است (۲۰). اراده در لغت به معنی خواستن و قصد داشتن است (۲۱)، اما در معنای اصطلاحی تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است، به گونه‌ای که در کتاب کشف اصطلاحات الفنون آمده است: «اراده به معنی شوق و گرایش نفس به سوی انجام عمل است» (۲۲). اراده در حقیقت همان حرکت عملی است برای تحقق و منجر ساختن آنچه که از روی علم و ادراک تصمیم گرفته شده است (۲۳). در تعریفی دیگر، اراده حرکت نفس به طرف کاری معین پس از تصور و تصدیق منفعت آن و اعم از قصد انشا است (۲۴).

در اصطلاح حقوق ایران نیز می‌توان اراده را به خواستن معنی کرد، منتهی هنگامی که از شرط روانی معامله یا ایقاع‌کننده در حقوق ایران بحث به میان می‌آید، برای اراده یا خواستن دو حالت جداگانه درونی شناخته می‌شود، رضا و دیگری قصد که از آن به قصد انشا تعبیر شده است. بنابراین اراده گاهی در معنی قصد و رضا با هم به کار می‌رود و زمانی فقط به قصد انشا اطلاق می‌شود. لازم به ذکر است که منظور از اراده که حاکمیت آن به عنوان اصل مورد بررسی قرار دارد، اراده به معنی اراده انشایی یعنی قصد انشا است (۵).

معاملات صوری و مصادیق آن

منشأ ایجاد تعهد، اعمال حقوقی و یا وقایع حقوقی می‌باشند. اعمال حقوقی اعمالی هستند که شخص با قصد حصول اثر حقوقی آن را به صورت ارادی انجام می‌دهد. در مقابل رویدادهایی هستند که آثار حقوقی آن‌ها در نتیجه اراده

مفهوم معامله صوری

معامله در لغت واژه‌ای عربی است و از باب مفاعله و از ریشه مجرد عَمَلَ به معنی عمل کردن متقابل می‌باشد، یعنی به مجموع اعمال و رفتاری که دو یا چند شخص در برابر همدیگر انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود (۲۷) و در اصطلاح حقوقی به معنی عمل حقوقی شخصی در برابر دیگری است. واژه صوری در لغت به معنای ظاهری، سطحی و مقابل معنوی آمده است. بنابراین ترکیب معامله صوری از لحاظ لغوی به معنای اعمال و رفتار طرفینی است که در ظاهر و به صورت وانمودشده انجام می‌گیرد. حقوقدانان تعاریف مختلفی را برای معامله صوری بیان کرده‌اند. معامله صوری توسط عده‌ای از حقوقدانان به معنای عقد تشریفاتی به کار رفته است (۲۸) و در تعریف آن می‌گویند: «عقد صوری به معنای عقد شکلی است و عبارت است از عقدی که به صرف قصد و رضای طرفین واقع نشود و محتاج به نوعی تشریفات باشد و آن را در اصطلاح دیگر، عقد تشریفاتی (در مقابل عقد رضائی) گفته‌اند.»

علاوه بر این، معنای عقد و معامله صوری که مورد نظر ما نیست، در معنای دیگری نیز آن را به کار برده‌اند و می‌گویند: «عقد صوری عقدی است که ظاهر آن برخلاف باطن آن باشد (۲۸). معامله صورت معامله‌ای است که طرفین قصد جدی برای به وجود آوردن آثار حقوقی آن معامله را نداشته باشند، مانند بیع شرط‌های سابق (قبل از وضع مدلول ماده ۳۴ قانون ثبت) که صورتاً بیع بود و در معنی وسیله‌ای برای استقراض و اخذ ربح نامشروع محسوب می‌شد.» ماده ۴۶۳ قانون مدنی می‌گوید: اگر در بیع شرط معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده است، احکام بیع در آن مجری نخواهد بود. بنابراین اگر اعمال حقوقی به صورت ظاهری و ساختگی ایجاد شود و قصد واقعی و جدی برای تحقق آن‌ها وجود نداشته باشد، معامله‌ای ایجاد می‌شود که فاقد اثر قانونی بوده و تعهدی برای متعاقبین ایجاد نمی‌کند. به این نوع از معاملات، معامله صوری می‌گویند. در معامله صوری قصد تلفظ وجود دارد، اما این قصد فاقد جدیت و قطعیت بوده و انشا محقق نمی‌شود.

مبانی فقهی معاملات صوری

۱- قاعده العقود تابعه للقصد

معاملات صوری در فقه به موجب قاعده «العقود تابعة للقصد» به دلیل فقدان قصد انشای واقعی و درونی باطل می‌باشند. بر طبق این قاعده، وجود یا عدم عقد تابع قصد طرفین عقد است. این قاعده را همه فقیهان قبول دارند و جزء قواعد متداول بین فقهاست. درباره معنای این قاعده دو احتمال مطرح شده است. یک معنا آن است که هیچ عقد یا ایقاعی بدون قصد محقق نمی‌شود، مانند عقود که توسط شخص مست یا خواب یا غافل صورت می‌گیرد. معنای دیگر آن است که ارکان و آثار عقود زمانی بر آن‌ها مترتب می‌گردد که با قصد صورت گیرند. در هر حال، ارکان و لوازم و احکام اساسی عقود باید قصد شوند و اگر هر یک از این‌ها قصد نشوند، عقد به طور صحیح تحقق نمی‌یابد و معنای قاعده فقط این نیست که نوع عقد و اثر آن قصد شود، بلکه عقد وقتی محقق می‌شود که قصد شود و عقد در حقیقت همان اراده درونی می‌باشد و به صورت مجازی به ایجاب و قبول ظاهری اطلاق می‌گردد (۲۹).

برای اثبات این قاعده دلایل متعددی از جمله: اجماع، انتفای موضوع، اصل و بنای عقلا ذکر شده است، اما بهترین استدلالی که به نظر می‌رسد این است که بگوییم تابعیت عقد از قصد حکمی عقلی و وجدانی است، زیرا عقد از عناوین قصدیه و امور قلبیه می‌باشد و قصد عنصر تشکیل‌دهنده آن است، هم‌چنانکه نشستن و برخاستن بدون قصد احترام یا اهانت نمی‌تواند چنین معنایی داشته باشد، گفتن الفاظ بدون قصد هم نمی‌تواند بیع یا هبه یا اجاره و مانند آن‌ها را بوجود آورد.

۲- روایت انما الاعمال بالنیات

فقه‌ها برای اثبات معامله صوری به روایت «انما الاعمال بالنیات» نیز استناد کرده‌اند. منظور از روایت این است که اعمال انسان تابع نیت آن‌ها می‌باشد و نیت را به معنای قصد انجام عمل و شرایط آن می‌دانند. از آنجایی که اعمال اعم از معاملات و عبادات می‌باشد، بنابراین سخن کسانی که نیت را

ثمن معامله بیشتر یا کم‌تر از مقدار واقعی آن در قرارداد نوشته شود (موضوع تعهد)، این دروغ از نفوذ بیع نمی‌کاهد یا اگر متهب مأمور شود که مال موهوب را به دیگری واگذار کند و مقصود واقعی هبه مال به این شخص باشد (طرف عقد)، عقد اثر خود را مطابق مقصود اصلی به جای می‌گذارد و مانند این است که هبه به طور مستقیم به شخص دوم شده است.

دکتر کاتوزیان در این خصوص مقرر می‌دارند با این وجود، اگر معامله‌ای که منظور واقعی است ممنوع و فاسد باشد، قرارداد صوری نمی‌تواند موجب فرار از اجرای قانون شود، زیرا تقلب نسبت به قانون ممنوع است و حيله قانونی نامشروع را مشروع نمی‌سازد. عقد ظاهری چون منطبق با اراده حقیقی نیست اثر ندارد و عقد واقعی نیز به دلیل مخالفت با قانون فاسد است. بنابراین اگر شخصی برای تحصیل ربح گزاف عقد قرضی را به صورت بیع شرط یا صلح یا اجاره درآورد، بر این حيله هیچ اثری مترتب نیست (۳۲).

شرایط تحقق معاملات صوری

معامله صوری در یک مفهوم عام عبارت است از ایجاد ظاهری دروغین که برخلاف قصد واقعی طرفین می‌باشد. در معامله صوری اصولاً قصد انشای معامله که عامل سازنده و خالق عقد است، وجود ندارد و صرفاً صورت ظاهری از عقد به منظور گمراه کردن اشخاص ثالث به نمایش گذارده می‌شود و بدیهی است که چنین معامله ظاهری باطل است. جهت تحقق معاملات صوری وجود شرایطی لازم است که ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- وجود دو عمل حقوقی متفاوت

یکی از شرایط تحقق معامله صوری، وجود دو عمل حقوقی (عقد یا ایقاع) متفاوت می‌باشد. لازم به ذکر است که آنچه در خفا بین طرفین به عنوان عقد واقعی منعقد می‌شود، ممکن است عقد یا یک قرارداد ساده باشد. بنابراین در این فرض دو قرارداد گوناگون وجود دارد: یکی آنکه به واقع خواسته شده و پنهان مانده است (عقد مخفی یا پنهانی) و دیگری صورتی از عقد که سرپوش عقد واقعی است و دو طرف به انعقاد آن تظاهر می‌کنند (عقد ظاهری) (۳۳). دو عقد متفاوت (عقد

به معنای قصد تقرب به خدا می‌دانند و اعمال را نیز منحصر در عبادات ساخته‌اند، سخن درستی نیست (۳۰).

۲- قاعده ما وقع لم یقصد و ما قصد لم یقع

برای صحت عقد لازم است که اراده واقعی و حقیقی با مصداق خارجی تطابق داشته باشد. بنابراین در جایی که اراده واقعی با قصد طرف مقابل یا با مصداق خارجی تطبیق نکند، عقد باطل است (۳۱)، زیرا آنچه که مورد قصد انشا بوده، تحقق نیافته است، مانند این که شخص گلدانی را بدین گمان که از طلا است می‌خرد، در حالی که واقعیت جز این است و گلدان تنها لایه‌ای از آب طلا بر خود دارد. بنابراین عقد مزبور باطل می‌باشد. بر همین مبناست که ماده ۳۵۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه چیز معینی به عنوان جنس خاص فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد، بیع باطل است و اگر بعضی از آن از غیر جنس باشد، نسبت به آن بعض باطل است و نسبت به مابقی مشتری حق فسخ دارد.»

مبانی قانونی معاملات صوری

عقد صوری به دو صورت ممکن است انجام شود. گاه طرفین وانمود می‌کنند که پیمانی بسته‌اند، ولی در واقع مفاد آن را نمی‌خواهند. این فرض از مصداق‌های حالتی است که اراده جدی و واقعی در ایجاد رابطه حقوقی وجود ندارد. در نتیجه اگر آنان اراده انجام هیچ عمل حقوقی را نکرده باشند، عقد صوری باطل است. برای مثال اگر بدهکاری برای این که طلبکاران به اموال او دسترسی نداشته باشند، آن‌ها را به طور صوری به دیگران بفروشد، بیع باطل است و هیچ انتقالی صورت نمی‌گیرد. همچنین در پاره‌ای از مواقع، منظور آنان، تحقق عقدی است که طرفین مایلند موضوع یا طرف حقیقی یا ماهیت آن تحت عنوان عقد صوری پنهان بماند. در این حالت، این تظاهر مانع از نفوذ اراده حقیقی نمی‌شود، یعنی توافق مورد نظر اگر شرایط لازم را داشته باشد، بین طرفین واقع می‌شود و انتقال صورت می‌گیرد، مانند این که برای فرار از پرداخت مالیات یا به منظور جلوگیری از ایجاد دشمنی بین اعضای خانواده، هبه‌ای که منظور واقعی است به صورت بیع انجام شود. در این فرض، آن عقد آثار هبه را داراست. همچنین هرگاه

پس از برطرف شدن نیازهای اولیه است. از سوی دیگر آنچه مسلم است، این است که تأمین امنیت و ایجاد احساس امنیت در جامعه صرفاً از سوی دولت امکان‌پذیر نخواهد بود، بلکه آحاد جامعه به عنوان شهروند در عرصه اجتماعی دربرآوردن این امنیت نقش به‌سزایی دارند (۳۵).

از مهم‌ترین موارد امنیت در حقوق شهروندی، امنیت اقتصادی و مالی در معاملات می‌باشد که لازمه آن وجود روابط تجاری سالم بین شهروندان است و بر اساس اعتماد متقابل و انجام تعهدات از سوی ایشان شکل می‌گیرد. تعهد یک رابطه مادی بین دو دارایی نیست، بلکه پیوندی است بین دو انسان با شعور و مسؤول که برای آنان حقوق و تکالیفی به بار می‌آورد. از سوی دیگر، اسلام هر گونه ظلم و تعدی به حقوق شهروندان را نهی کرده است. از جمله موارد ظلم در جامعه تأخیر در پرداخت بدهی برای کسانی که توانایی ادای دین خود را دارند، می‌باشد و آیات و روایات مؤید این مطلب است. در این خصوص پیامبر (ص) در حدیثی فرمودند: «مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ؛ «تأخیر کردن فرد ثروتمند در ادای بدهی اش ظلم است» (۳۶).

بنابراین مهم‌ترین تکلیف بدهکار این است که دین خود را بپردازد و در این راه کوشا باشد، به طوری که در متون فقهی نیز تصمیم بر ادای دین و تلاش در این راه از واجبات شمرده شده است، حتی اگر شخص بدهکار چنین توانی را در خود نبیند، اخلاق حکم می‌کند که دست کم نیت وفای به عهد را پیوسته در دل داشته باشد. بر اساس قوانین و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی نیز، شخصی که دین و بدهی را بر عهده دارد، مکلف است نسبت به ایفای تعهدات خود و دادن حق و حقوق طلبکار اقدام کند، اما در برخی مواقع، نیت ناپاک مدیون موجب می‌شود که برای پرداخت نکردن بدهی و جلوگیری از اقدام طلبکاران در توقیف اموالش، اقدام به انعقاد یک بیع واهی نموده و ظاهراً اموال خود را از طریق معامله صوری به نام اشخاص مورد اعتماد خود منتقل می‌کند تا بدین وسیله اموالش را از دسترس طلبکاران خارج ساخته و در محضر قانون خود را معسر نمایان سازد. با انتقال این اموال شرایطی به وجود می‌آید که بدهکار می‌تواند هم اموال خود را حفظ کند و هم این‌که در دادگاه از امتیازهایی مانند اعسار و

ظاهری و عقد واقعی) که در معامله صوری وجود دارد، ممکن است به طور کلی با هم متفاوت بوده یا در شرایط و ارکان تفاوت داشته باشند. به این مفهوم که عقد واقعی که بیانگر قصد واقعی طرفین است می‌تواند به طور کلی عقد ظاهری یا بخشی از آن را بی‌اثر نماید.

۲- وحدت در زمان انعقاد هر دو عقد

جهت تحقق معامله صوری عقد مخفی و واقعی باید هم‌زمان با عقد ظاهری و صوری باشد. عملی که بعد از یک عقد جدی مورد تراضی قرار می‌گیرد و آشکارا شرایط اساسی و ارکان عقد را تغییر می‌دهد، قرارداد تازه‌ای است که به جای آن می‌نشیند و عقد پیشین را منحل می‌کند (۳۳). اگر عمل مخفی بعد از عمل ظاهری انجام شود، دیگر معامله صوری تحقق پیدا نمی‌کند، زیرا عقد دوم جایگزین عقد اول می‌شود.

۳- لزوم مخفی ماندن عمل واقعی

از آنجایی که یکی از اهداف معامله صوری فریب ثالث از طریق پنهان نمودن عمل واقعی می‌باشد، بنابراین معامله ظاهری نباید طوری منعقد شود که سبب آشکار شدن معامله واقعی گردد، زیرا در غیر این صورت فریب ثالث صورت نمی‌گیرد و معامله صوری منعقد نمی‌شود (۳۴).

رابطه معاملات صوری با حقوق شهروندی

اهمیت حقوق شهروندی امری بدیهی است و همگان بر این امر واقفند که باید از حقوق شهروندان دفاع کرد، اما واقعیت‌های اجتماعی بیانگر این مطلب است که افراد جامعه نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی ندارند و در بخش‌هایی از جامعه این احساس وجود دارد که افراد بیشتر از آنکه از حقوقی برخوردار باشند، مکلف شده‌اند. بر اساس ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی، هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، حقوقی، قضایی و بالاخص مالی و نظائر آن برخوردار باشد و هیچ شخص یا مقامی نباید حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض قرار دهد. امنیت استحقاق طبیعی هر فرد و نخستین شرط تداوم زندگی و هم‌زیستی است و همان‌گونه که نیاز به غذا، مسکن و... برای زندگی انسان ضروری است، نیاز به امنیت نیز مهم‌ترین نیاز

عنوان یک قرارداد است، یعنی حتی در حالت توافق و اصرار متعاملین از یکسو و تنفیذ طلبکار از سوی دیگر تصحیح نمی‌شود. بنابراین اگر ثابت شود که دو طرف عقد در پی ظاهرسازی بوده‌اند و قصد انجام هیچ معامله‌ای را نداشته‌اند، بطلان معامله آشکار می‌شود، خواه انگیزه این اقدام فرار از دین باشد یا تقلب دیگری در برابر اجرای قوانین و اگر طلبکار ذی‌نفع باشد، با اثبات تظاهر دو طرف به مقصود خود در اطال معامله می‌رسد (۳۷).

بنابراین حکم به بطلان معاملاتی که مدیون به طور صوری و به قصد فرار از دین جهت اضرار به طلبکاران انجام می‌دهد، با مصلحت اجتماعی و حقوق شهروندی سازگار است، زیرا با اعلام بطلان این معاملات، حقوق طلبکاران بدون جبران باقی نمانده و احساس امنیت مالی در سطح جامعه افزایش می‌یابد و اشخاص نمی‌توانند به راحتی جهت تحقق اهداف فریبکارانه خود به این معاملات متوسل شوند.

ضمناً از آنجایی که انعقاد معاملات صوری برخلاف اصول عدالت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و کرامت انسانی می‌باشد، بر طبق ماده ۸۵ منشور حقوق شهروندی، شهروندان از حیث نقض قوانین و از بین رفتن اموال و دارایی خود حق دادخواهی در مراجع قانونی جهت ابطال این نوع از معاملات را دارند. در مجموع می‌توان گفت اصل آزادی قراردادهای یا حاکمیت اصل اراده که تجلی ماده ۱۰ قانون مدنی است به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق شهروندی در معاملات باید لحاظ شود. به این تعبیر که خواست و اراده طرفین عقدی که بر اساس قانون و با رعایت ماده ۱۹۰ قانون مدنی بالاخص قصد و رضا تنظیم یافته است، باید مورد احترام و کرامت طرفین و اصحاب آن و نهادهای دولتی و قضایی قرار گیرد (۳۹). از سوی دیگر از آنجایی که روابط تجاری افراد بر اساس اعتماد و اعتبار طرفین شکل می‌گیرد، لذا جهت جلوگیری از هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق شهروندان بالاخص طلبکاران و فراهم نمودن محیط امن اقتصادی توأم با دو اصل عدالت و کرامت، رعایت حقوق شهروندی ضروری است.

تقسیم استفاده نماید. بنابراین در این حالت از دیدگاه اجتماعی نیز حيله بدهکار برای فرار از پرداخت دین باعث از بین رفتن امنیت حقوقی و سستی اعتبار در روابط تجاری شهروندان می‌شود، زیرا دارایی بدهکار پشتوانه التزام‌های مالی اوست و طلبکار بر مبنای همین وثیقه عمومی به او اعتماد می‌کند و داد و ستد شکل می‌گیرد. بنابراین اگر متعهد بتواند به اختیار پشتوانه بدهی‌های خود را از بین ببرد، نه تنها زیانی ناروا به طلبکاران در موقعیت شهروندی می‌زند، بلکه به اعتماد عمومی و گردش سالم پول ضرر زده و امنیت معاملات و اعتماد اجتماعی را متزلزل می‌کند (۳۷).

در همین راستا و بر اساس ماده ۷۵ منشور حقوق شهروندی، حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است و هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب یا اموال او را مصادره یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او مزاحمت ایجاد کند، مگر در مواردی که قانون تجویز کند، لذا با توجه به اصل فوق، هر شهروندی که اهلیت داشته باشد، می‌تواند در اموال خود آزادانه تصرف کند و آن را از طریق معامله به دیگران انتقال دهد و معاملات شخص نسبت به اموال خود اصولاً صحیح و نافذ است، معهداً ممکن است، شخص در معامله‌ای که انجام می‌دهد، قصد و به تعبیر دقیق‌تر انگیزه زیان‌رساندن به طلبکاران و فرار از دین را داشته باشد. از آنجایی که این قصد نامشروع است و به حقوق مالی طلبکار در جایگاه شهروندی لطمه می‌زند، نباید بدون ضمانت اجرا بماند (۳۷).

ضمناً آزادی قراردادی مدیون تا جایی تحمل‌پذیر است که آلوده به نیرنگ نشود و حيله‌ای به همراه نداشته باشد، لذا چنانچه اشخاص تحت عنوان حيله و فرار از قانون به معاملات صوری روی آورند و از طرف قانونگذار با آن مقابله نشود، دوام جامعه به ویژه امنیت معاملات به خطر می‌افتد (۳۸). بدیهی است قانونگذار جهت برقراری امنیت معاملات، حفظ حقوق مالی شهروندان و جلوگیری از تضییع حق طلبکاران چنین معاملاتی را بدلیل فقدان قصد انشای واقعی محکوم به بطلان نموده است، لذا این‌گونه معاملات در قبال هر کس، حتی در روابط میان متعاملین از همان ابتدا باطل و فاقد هرگونه اثر به

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی در یک تقسیم‌بندی کلی به حقوق سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی تقسیم می‌گردد و با رعایت اصول کرامت انسانی و امنیت تحقق می‌یابد. کرامت انسانی حقی است بنیادین و آمیخته با تکلیف که موضوع آن رعایت عزت نفس آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نمی‌باشد. حق امنیت به معنی برخورداری شهروندان یک جامعه از حقوق و آزادی‌های مشروع است و هیچ عاملی نمی‌تواند این حقوق را تهدید نماید. امنیت در سایه عواملی همچون عدالت، رعایت حرمت حقوق انسان‌ها، برخورد با مفسدان و برقراری نظم شکل می‌گیرد. امنیت اقتصادی محوری‌ترین موضوع در حقوق شهروندی است که در پرتو عواملی همچون، وجود روابط تجاری سالم بین شهروندان و ایفای تعهدات در فضای معاملاتی سالم و بدون هرگونه نیرنگ تحقق می‌یابد. قانونگذار برقراری امنیت معاملات را مشروط به قصد انشای واقعی اصحاب قرارداد دانسته است، لذا در این‌گونه معاملات در صورتی که طرفین قصدی برای انجام معامله نداشته باشند، معامله آن‌ها محکوم به بطلان است، خواه انگیزه آن‌ها فرار از دین باشد یا تقلب در برابر اجرای قوانین. بنابراین حکم به بطلان معاملات صوری به قصد فرار از دین و به منظور اضرار به طلبکاران بر اساس اصول عدالت، امنیت اقتصادی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و کرامت انسانی با مصلحت اجتماعی و حقوق شهروندی سازگار است، زیرا نه تنها به نظم اقتصادی جامعه آسیب می‌زند، بلکه حیثیت و موقعیت شهروندان و پایبندی به اخلاقیات را لکه‌دار می‌نماید.

با توجه به این‌که استیفای حقوق شهروندی بدون آگاهی، توانمندی و مسؤلیت‌پذیری شهروندان نسبت به حقوق، تکالیف و منافع عمومی امکان‌پذیر نیست، لذا افزایش سطح آگاهی جامعه از طریق آموزش‌های لازم در زمینه حقوق شهروندی که هدف آن تأمین امنیت و آسایش شهروندان در تمام ابعاد می‌باشد و آموزش در زمینه مباحث حقوقی، بالاخص مبحث معاملات و بیان آثار و تبعات معاملات صوری به قصد فرار از دین که جرم بوده و در قانون برای آن‌ها مجازات تعیین شده و پیش‌بینی ضمانت اجرای لازم به منظور کیفر دادن متجاوزین

به حقوق شهروندان و ایجاد اطمینان و اعتماد در آحاد جامعه از مسیر اجرای عدالت قضایی نسبت به اشخاص خاطی از جمله راه‌کارهای اجرایی است که زمینه‌های لازم را جهت کاهش انعقاد این معاملات فراهم می‌سازد.

References

1. Available at: <http://www.info@iausaghez.ac.ir>.
2. Available at: <http://www.iqna.ir>.
3. Saeidikiyai M. The role of regulating the formal document of transactions in the moral and social health of the community. *Journal of Ethics in Science and Technology* 2018; 1(3): 16-19.
4. Katouzian N. Introduction to law science and study of Ira legal system. Tehran: Publication Stock Company Cooperated with Bahman Borna; 2005. p.281.
5. Shahidi M. Formation of contracts and obligations. Tehran: Majd; 1997. Vol.1 p.123, 130, 560.
6. Taheri H. Civil code 3 and 4. Tehran: Islamic Publication Office; 1996. Vol.2 p.24.
7. Safaei H. Civil code preliminary period (contract general rules). Tehran: Mizan; 2018. Vol.2 p.71, 73, 152.
8. Vahedi GH. Introduction to law of science. Tehran: Mizan Publication; 2007. p.14.
9. Javid M, sadeghi M, Shafizade M. Ratio of natural tasks and citizenship tasks. *The Quarterly Review of Judicial Rights* 2012; 17(59): 83-116.
10. Fallahzade A. The ratio of citizen rights and human rights. *Magazin Legal Justice* 2007; 71(58): 47-64.
11. Aazimidolatabadi A. He axes and examples of citizenship rights from the perspective of Imam Khomeini. *Reasearch Journal on Islamic Revolution* 2015; 4(13): 1-19.
12. Rahmani E, Moazeni S. The position of human dignity in the constitution of the Islamic republic of iran. *The Strategic Development Review Magazine* 2017; 4(48): 25-38.
13. Availabe at: <https://www.yjc.ir/fa/news/4107730>.
14. Mazlum A. National Security and Security. *Hassoun Magazine* 2009; 22(19): 183-204.
15. Bojnourdi S. Al-Qawad al-Fiqahiya. Tehran: Ooroge Institiue; 1980. Vol.1 p.4.
16. Amid H. Amid Dictionary. Tehran: Sekkeh Publications; 2010. p.664-942.
17. Alamoli MT. Narrating discussion of Mirzaei Naeini. Qom: Islamic Lecturers' Publication Center; 2001. p.404-405.
18. Katouzian N. legal actions (contract-purchase). Tehran: Publication Stock Company Cooperated with Bahman Borna; 1998. p.53.
19. Imami H. Civil Code. Tehran: Eslamieh Bookstore; 1991. Vol.1 p.180.
20. Ghasemzadeh M. Principles of contracts and theoretical and applied obligations. Tehran: Dadgostar Publication; 1997. p.54.
21. Moin M. Persian Dictionary. Tehran: Sahel Publications; 2005. p.90.
22. Tahanavi M. Kashaf Estelihat Alfonoon va Aloloom. Lobanon: Maktabat Lobanon Nasheroon; 1996. Vol.1 p.28.
23. Bahrololoom M. Oyoob Aleradat fi Shariat Aleslamieh: Sherkat Maktabat Alfein. Qom: Publications Allame Tabatabaie; 2000. Vol.1 p.28.
24. Jafari Langroodi MJ. Terminology of law. Tehran: Ganje Danesh Library; 1997. p.24.
25. Ansari M. Makaseb: Toraas al-Sheikh Akazam. Qom: Publications al-Mootamera al-Alamie; 1994. Vol.3 p.295.
26. Aliabadi A. Intention and consent and its effects on contract realization. *Articles and Reviews; Theism Faculty and Islamic Thoughts* 2002; 35(71): 149-165.
27. Dekhoda AA. Dekhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran Prints; 1994. Vol.13 p.18640.
28. Jafari Langroodi MJ. Expanded in terminology of law. Tehran: Ganje Danesh Library; 1999. Vol.4-5 p.2583-3421.
29. Zeraat A. Civil jurisprudence rules. Tehran: Jangal Publications; 2011. p.52.
30. Maraghi M. Al-Avawan al-Foghieh. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Teachers Community of Qom Seminary; 1996. Vol.2 p.51.
31. Bahrami Ahmadi H. Obligations and contracts rights. Tehran: Imam Sadegh University; 2011. p.145
32. Katouzian N. General regulations of contract. Tehran: Publication Stock Company Cooperated with Bahman Boirna; 1997. p.224.
33. Katouzian N. General regulations of contract. Tehran: Publication Stock Company Cooperated with Bahman Borna; 1997. Vol.3 p.323-324.
34. Sanhoori AA. Alvasit fi Sharh al-Ghanoon al-Madani al-Jadid. Beirut: Manshoorat al-Halbi al-Hoghooghieh; 1999. Vol.2 p.1077.
35. Yari H, HazarJaribi J. Regard to the relationship of security and social trust among citizens (Case Study Citizenship of Kermanshah). *Journal of Strategic Studies of Iran* 1391; 1(4): 39-53.

36. Ibn Shaab al-Harani A. Towaf al-Qul. Qom: Islamic Society for the Publishing of the Society of Teachers of Qom; 1983. Vol.1 p.267.

37. Katouzian N. General regulations of contract. Tehran: Publication Stock Company Cooperated with Bahman Borna; 2006. Vol.2 p.253-255.

38. Available at: <http://www.Vekalatonline.ir>. Dealing with the purpose of escaping religion and important points around it.

39. Available at: <http://www.ferdose.ir>.